Quran and Hadith Studies

علوم قرآن و حدیث

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/

سال ۵۳ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰۷ - پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۷۸ - ۵۹

شاپا الکترونیکی ۴۱۹۸-۲۵۳۸

شاپا چاپی ۹۱۲۰-۲۰۰۸

تاریخ دریافت:۱۳۹۸/۰۶/۰۵ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۷/۱۴ تاریخ پذیرش:۱۴۰۰/۱۰/۲۸

نوع مقاله :پژوهشی

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2022.61491.0

نقش کنش‌های گفتاری و راهبردهای کلام در تبیین آیات داستان موسی(ع) (مطالعهٔ موردی سورهٔ شعراء)

راضیه قناعتی

دانشجوی دکتری دانشگاه اصفهان

دکتر اعظم پرچم(نویسنده مسئول)

دانشیار دانشگاه اصفهان

Email: a.parcham88@yahoo.com

چکیده

از عوامل موثر در فهم کارگفت‌های قرآنی، مقتضای حال متکلّم و مخاطب و قصد مخاطبه است. نظریه «کارگفت» از «سرل» در دانش کاربرد شناسی با عناوینی چون: اغراض ثانویه و اغراض ادبی در علم معانی مطابقت دارد. سرل اثرات این کار گفت را به «اثرات در گفته» و «اثرات با گفته» تقسیم کرده است. «اثرات با گفته» نتیجه جانبی برآمده از مجموع کارگفت‌هاست. کارگفت‌های غیر مستقیم به اطلاعات پس زمینه‌ای مشترک میان متکلم و مخاطب نیاز دارد که از جنس زبان و غیر زبان است و مخاطب با تکیه بر عقلانیت حاکم بر ارتباط کلامی خود، مخاطبه و مفاهیم نهفتهٔ درون آن را استنباط می‌کند. استفاده متکلم از بیان غیرمستقیم با مفهوم ادب گفتاری، جایگاه مهمی دارد. پژوهش حاضر بر اساس بافت موقعیتی آیات با روش توصیفی_تحلیلی به برخی کارگفت‌های مستقیم و غیرمستقیم می‌پردازد. برخی از کنش‌ها عبارتند از کنش توصیفی، عاطفی و اعلامی که در مخاطبه‌های فرعون، موسی و ساحران با راهبردهای کلام وجود دارد. برای نمونه زمانی که فرعون قصد دارد در یک مخاطبه عمومی، دعوت الهی موسی را تخریب نماید، از ساحران یاری جسته و با راهبرد ایجابی، کنش ترغیبی را جهت توانمندی سحر آنها به‌کار می‌برد و منتظر اثرات با گفته مورد انتظار خویش است؛ ولی به یک‌باره پس از انجام معجزه موسی، ساحران کنش عاطفی خویش را به سوی خدای یگانه ابراز می‌کنند و کنش‌های تهدیدی او را با راهبرد صراحت کلام و اعلام ایمان به خدای واحد پاسخ می‌دهند و هیچ اثر «با گفته‌ای» مطابق انتظار فرعون نشان نمی‌دهند.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، موسی(ع)، کارگفت، اثر باگفته، راهبرد کلام

Quran and Hadith Studies علوم قرآن و حدیث

HomePage:https://jquran.um.ac.ir/ Vol. 53, No. 1: Issue 106, Autumn & Winter 2021 - 2022, p.59-78

Online ISSN: 2538-4198 Print ISSN: 2008-9120

Receive Date: 27-08-2019 Revise Date: 06-10-2019 Accept Date: 18-10-2022

DOI: https://doi.org/10.22067/jquran.2022.61491.0 Article type: Original

The Role of the Speech Acts and Strategies in the Explanation of the Moses' Story Verses; a Case Study of Surah al-Shu'ara

Raziyeh Ghenaati, Ph.D. Student. University of Isfahan

Dr. Azam Parcham (Corresponding Author), Associate Professor, University of Isfahan

Abstract

Knowing the requirement of the speaker and the audience as well as the purpose of the conversation is effective in understanding the Quranic speech acts. Searle's theory of speech acts in pragmatics conforms with the secondary and literary purposes in semantics (Ma'ani). Searle has divided the effects of these speech acts into "Illocutionary effects" and "Perlocutionary effects". The perlocutionary effects are the subsidiary results of all the speech acts. Indirect speech acts need common background information between the speaker and the audience that is both linguistic and non-linguistic, and the audience perceives the conversation and its underlying concepts by relying on the rationality governing his verbal communication. The speaker's use of indirect expressions that means politeness in the speech has an important position. Using a descriptive-analytical method and based on the situational context of the verses, this study examines some direct and indirect speech acts. There are assertive, expressive, and directive acts in the conversations of Pharaoh, Moses, and the sorcerers through strategies of the speech. For example, when Pharaoh decided to destroy Moses' divine invitation, he asked the sorcerers for help and, by adopting a positive strategy, used the directive act to empower their magic and waited for his expected perlocutionary effects. Still, after the miracle of Moses, the sorcerers represented their expressive act toward the One God. Also. They reacted to the Pharaoh's threatening action with the speech strategies of the explicitness and declaration of faith in the One God. In other words, they didn't show any perlocutionary effects that he expected.

Keywords: The Holy Quran, Moses, Speech act, Perlocutionary effect, Speech strategy

مقدمه

بافت فرازبانی و زبانی نقش مهمي در تبيين آيات دارند و مفسران علي‌رغم توجه بدان، در تفسیر آیات بر تفکیک جداگانه انواع سياق اهتمام نداشتند، از اين‌رو برخي معاني وارده در تفاسير، ابهام دارند. عناصر مهم در بافت فرازباني عبارتند از: زمان و مكان آيه، مقتضاي حال متكلّم و مخاطب و قصدي كه از كلام و مخاطبه ارائه مي‌شود. در علم معانی علمای بلاغت با عناوینی چون «اغراض ثانوی جمله»، «معانی مجازی جمله»، «اغراض ادبی و زیبایی شناختی» و «مقاصد و اهداف دیگر »به تبیین معنا پرداختند.(جمالی، ١٤٥)

نظریه کارگفت درصدد بازشناسی کارگفت‌ها و نحوۀ عملکرد و نظام حاکم بر آنهاست، کنش گفتار، شاخه‌ای از دانش کاربرد شناسی است که ابتدا توسط جی. ال. آستین[1] مطرح(١٩٦٢) و جان. راجرز. سرل[2] آن را گسترش داد.(١٩٧٩) یک مخاطبه شامل «کنش گفته»، «کنش درگفته» و «کنش با گفته» است. «کنش گفته» یعنی آنچه کاربر زبان می‌گوید و از قواعد دستور زبان استفاده کرده و زنجیره واژگانی را در عبارات بکار می‌برد. «کنش در گفته» یعنی آنچه کاربر زبان در حین گفتن انجام می‌دهد و اهدافی همچون: هشدار دادن، آگاهی دادن، درخواست کردن، پیمان بستن را در کاربری زبانی خود می‌گنجاند و از شنونده انتظار دارد این گونه کنش‌ها را دریابد. جملاتی که دارای چنین «کنش‌های در گفته» باشند اصطلاحاً دارای «نیروی درگفته»[3] هستند. بیشتر کارگفت‌ها در این سطح اجرا می‌شوند. «کنش باگفته» یعنی آنچه کاربر زبان بوسیله گفتن انجام می‌دهد؛ کنش‌هایی که نتیجه و برآیند کاربری زبان است که در این سطح چه بسا شنونده با هشدار گوینده دچار ترس و هراس شود و یا با آگاهی دادن وی متقاعد شود در این صورت هر دو کنش(ترسیدن و متقاعد شدن) از جمله «کنش‌های با گفته» در کاربری زبان است(Searle, 32-45, Briggs, ٢٠٠١: ٤٠-٣) سرل نیز اثرات کارگفتی مخاطبه را به دو بخش تقسیم کرده: «اثرات در گفته» و «اثرات با گفته». در «اثرات در گفته»[4] مخاطب با شناختن قوانین حاکم بر کاربری ابزار تعیین کننده نیروی «درگفته»[5] این اثرات را می‌فهمد. در «اثرات باگفته»[6] به طور غیر مستقیم به عنوان نتیجه فرعی و جانبی بر آمده از مجموع کارگفت‌ها شناخته می‌شود.(Searle, ١٩٧٠, ١٩٦٩: ٤٩)

---

1. Austin John Langshaw
2. John R. Searle
3. illocutionary force
4 illocutionary effects
5 illocutionary force indicating device(IFID(
6 perlocutionary effects

تفکیک اثرات در گفته و با گفته در یک مخاطبه معمولاً آشکار نیست ولی در آیات قرآن خداوند با کـاربری چنین مخاطب‌های بندگان خود را با این کارگفتار هشدار می‌دهد و تلاش می‌کند تا به‌واسطهٔ این کارگفت‌ها مخاطب در درون خود حالت ترس و زنگ خطر را احساس کند. کارگفت هشدار و برحذر داشتن یک نـوع اثر «با گفته» است که به‌صورت غیر مستقیم از مخاطبه بر می‌آید. سرل در تبیین کارگفت‌های غیر مسـتقیم توجه به مخاطب‌هایی دارد که در آن، متکلم علاوه بر آنچه می‌گوید و معنایی که در الفاظ رانده شده، چیـز دیگری را نیز در کاربری زبانی خود می‌گنجاند و با ایما و اشاره در کل بافت و فضـای پیرامـونی حـاکم بـر مخاطبه منتقل می‌کند و از مخاطب خود انتظار دارد که بدان دست یابد و آن را بفهمد؛ یعنی متکلم نیـروی «در گفته» مشخصی را در مخاطبه خود می‌گنجاند و اثـر «باگفتـه» مشخصـی را در مخاطـب خـود پدیـد می‌آورد.(Searle, ۱۹۷۹ :۳۰) سرل در بحث کنش‌های گفتاری خویش به فعل مضمون در سخن[1] اشـاره می‌کند به مانند: بیان، پرسش، تحسین، وعده و...(Searle, ۱۳۸۵:۱۲۱) مقصود مضـمون در سـخن[2]: بـه این معناست که یک فعل گفتاری باید مقصود آن به منظور انجام فعلی به خصوص و متناسب بـا آن گفتـار انجام شود(Searle, ۱۹۹۸:۱۴۷) در واقع مقصود مضمون در سخن همراه بـا ایـن مفهـوم اسـت کـه یـک اظهار، انجام چه فعلی را در بر میگیرد؟ ضمن این‌که نباید قواعد حاکم بـر زبـان را نیـز در تعیـین مقصـود مضمون در سخن نادیده گرفت.(Searle, ۱۹۷۹:۲) برای نمونـه کنش‌هـای گفتـاری موسـی در شناسـایی پروردگار و ربوبیت او بر آسمان‌ها و زمین و انسان‌ها و همچنین انجام معجزه، به اثر ترس در درون فرعـون و درباریان و ایمان آوردن ساحران منجر شد.

سرل یکـی از ویژگی‌هـای مهـم آگـاهی کـه مـا را بـا جهـان مـرتبط می‌سـازد را، حالـت «التفـاتی»[3] میداند(Searle,۱۹۹۸, ۱۰۰)؛ از نظر سرل حالت التفاتی، یکی از مهم‌ترین خصوصیات ذهن است که به وسیلهٔ آن حالت ذهنی ما به اشیاء و وضعیت امور در عالم رجوع می‌کند. حالت‌هایی نظیر باور، میل، امید و باور را از باریدن باران داشته باشیم. «باور» دارای محتوای گزاره‌ای با جهت تناسـب «ذهـن بـه جهـان»[4] است اما میل‌ها یا خواسته‌ها و قصدهای ما دارای جهت تناسب «جهان به ذهن»[5] هستند زیرا هدفشان ایـن است که جهان را آن‌گونه بیان کنند که ما دوست داریم باشد نه آن‌گونه کـه جهـان در واقعیـت بـدان شـکل است.(همان) مواردی نیز هستند که دارای جهت تناسب «تهی»[6] هسـتند ماننـد بیـان احساسـات شـاد یـا

1 Illocutionary act
2 Illocutionary point
3 Intentional states
4 Mind to Word
5 Word to Mind
6 Null direction of fit

غمگین از چیزی. برای مثال زمانی‌که از باریدن باران احساس شادی می‌کنیم، باریـدن بـاران را پیش‌فـرض قرار داده‌ایم و این گونه نیست که هدف این پیش‌فرض تطابق ذهن با جهان یا جهان با ذهن باشد. متناظر بـا هر سه جهت تناسب میان ذهن و جهان به ترتیب می‌توان سه جهت تناسب «واژه به جهان»[1] مانند اظهارات اخباری که اصطلاحاً صادق یا کاذب خوانده می‌شوند، «جهان به واژه»[2] مانند درخواسـت، امـر و قصـد و «جهت تناسب تهی»[3] مانند تبریک گفتن و عذرخواهی کردن داشت.(Searle, ۱۹۹۸, ۱۰۱. ۱۹۷۹, ٦)

سـرل کنش‌هـای گفتـاری را در ۵ طبقـه منحصـر می‌کنـد کـه بـه ترتیـب عبارتنـد از: تصـدیقی، رهنمودی(ترغیبی)، التزامی، بیان حالت روانی و اعلامی(Searle, ۱۹۷۹, ۱۰-۱٦)که توضیح هـر یـک در ادامه پژوهش خواهد آمد.

این مقاله در صدد است تا از طریق بافت و انواع کنش‌های گفتاری سـرل و نیـز راهبردهـای کـلام، بـه تبیین مکالمات حضرت موسی(ع)، فرعون و ساحران در سوره شعراء بپردازد؛ نوآوری این پژوهش در بیـان کنش‌ها و راهبردهای کلام و تطبیق آن با مقتضـای حـال و بافـت در دسـته‌ای از آیـات مربـوط بـه داسـتان موسی(ع) است؛ که تا به حال به این موضوع پرداخته نشده است.

پیشینهٔ پژوهش

اولین تحقیق در موضوع کنش گفتاری را آستین انجام داده است و در طول سال‌ها تحقیقات متفاوتی در خارج از کشور صورت گرفته است. برای نمونه پایان نامهٔ دکتری کامرون شل(۱۹۹۲) با عنوان «کنش‌هـای گفتاری و کاربردشناسی در ایجاد جمله» نگاشته شده است. نگارنده در این پـژوهش درصـدد طرح‌ریـزی انگاره‌ای برای توصیف و مقایسه کنش‌های گفتار است. همچنین بیان می‌کند که چگونه انگاره کنش گفتـار در نظریه معناشناسی و صرفی تأثیرگذار خواهد بود.

کتابی با عنوان «اساس نظریهٔ کنش گفتار از منظر فلسفی و زبان‌شناختی» توسط ساوال ال.(۱۹۹۴) بـه چاپ رسیده است. در این کتاب مفاهیم کنش گفتار و کنش‌های بیانی، غیربیانی و تأثیری از منظر فلسفی و زبان‌شناختی بررسی شده است.

کتابی با عنوان«کنش غیربیانی و معنای جمـلات» توسـط ویلیـام آسـتون(۱۹۹٦)چـاپ شـده اسـت. نویسنده این اثر بر این باور است که کنش غیربیانی در فهم صحیح و کاربردی معانی دخیل است و معـانی

1 Word to World
2 World to Word
3 Null direction of fit

مختلف از یک جمله در سخن مخاطب پنهان است.

کتابی با عنوان «مجموعه مقالات دربارهٔ کنش گفتار» توسط دانیل واندروکن و سوسوموکویو(۲۰۰۱) به چاپ رسیده است. این کتاب دارای سه فصل است که در فصل اول مؤلفه‌های دستوری کنش گفتار، در فصل دوم نظریه کنش گفتار و در فصل سوم به بررسی جایگاه کنش گفتار در زبان شناسی پرداخته شده است.

مقاله‌ای با عنوان «کنش‌های گفتار» توسط مانفرد کریفکا(۲۰۰۲) چاپ شده است. نگارنده بیان می‌کند که یکی از رویکردهای مهم به کنش گفتار، استفاده از کنش گفتار به عنوان ابزاری برای تفسیر پاسخ مخاطب است و نیز هر پاره گفتاری در انگارهای از کنش گفتار قرار می‌گیرد.

در ایران نیز پژوهش‌هایی در قالب مقاله و پایان نامه در این موضوع انجام گرفته است:

غلامرضا تجویدی(۱۳۷۹)، «کنش‌های گفتاری در فرآیند یادگیری انگلیسی گویشوران فارسی زبان»، نویسنده در این پژوهش به بررسی کنش‌های گفتاری از منظر یادگیری زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم برای فارسی زبانان پرداخته است.

مهدی عباسی(۱۳۹۲) «بررسی کنش‌های گفتاری در ترجمه جزء سی قرآن کریم بر اساس نظرات آستین و سرل»

گلنار نوری زاده(۱۳۹٤) «بررسی کنش‌های گفتار، در ترجمه متون سوره‌های یاسین و الرحمن از قرآن کریم بر اساس نظریه کنش گفتار سرل و آستین».

در مقالات مختلفی نیز این موضوع بررسی شده است:

عبداللهی(۱۳۸٤) «نظریه افعال گفتاری» این نظریه را از دیدگاه آستین و سرل بررسی کرده و فرضیه، مبانی و مبادی آن را با شاهد مثال توضیح داده است.

ساجدی، ابوالفضل(۱۳۸۱) «نظریه کنش گفتاری جان آستین و فهم زبان قرآن» او مدعی است که طبق نظریه آستین باید گزاره‌های اخباری و انشائی قرآن واقع‌نما باشند؛ زیرا آستین برای فعل گفتاری مطلوب، شرایطی را بیان می‌کند که توجه به این شرایط، اقتضای واقع‌نمایی گزاره‌های دینی را دارد.

ویسی الخاص، غلامحسین اورکی(۱۳۹٤) «کارکردهای معنایی و توان منظوری جملات استفهامی قرآن کریم با توجه به نظریه کنش گفتار»او از آیه ۷۵ سوره کهف تا پایان سوره ناس را، بر طبق نظریه آستین تحلیل نموده و کارکردهای منظوری و تأثیری آن را بیان کرده است.

پیشوایی علوی، محسن و فردین حسین پناهی(۱۳۹۳) «تحلیل گزاره‌های پرسشی در سوره مؤمنون براساس نظریه کنش کلامی» او گزاره‌های پرسشی در سورهٔ مؤمنون را بر اساس انواع کارگفتار سرل،

استخراج نموده و سپس کنش کلامی مستقیم، غیر مستقیم و منظور غیر صریح آن‌ها را ذکر کرده است.

حسینی معصوم(١٣٩٤) «تاثیر بافت زمانی_ مکانی بر تحلیل کنش گفتار» او به بررسی فراوانی انـواع کنش‌های گفتار در سی صفحه از سُوَر مکی و سی صـفحه از سُـوَر مـدنی پرداختـه و پیامـدهای تفسـیری حاصل از میزان کاربرد هر کارگفتار را بیان کرده است.

زارع، آمنه و سحر زرگری(١٣٩٢)، «تحلیل متن شناسی سوره بقره براساس نظریه کـنش گفتـار» او نیـز مدعی است که نظریه کارگفتار در سوره بقره، از مجموع ١٧٤٢ کنش به کـار رفتـه در آن، کـنش اظهـاری و ترغیبی بیشترین میزان کنش را در این سوره داشته و کنش تعهدی، با تعداد یک مورد کمترین میزان را داشـته است.

مقداری، صدیقه سادات و فریده بلندی(١٣٩٣) «بررسی کنش‌های گفتاری سـوره یوسـف» او نیـز بـه بررسی کنش‌های گفتاری سوره یوسف با هدف تحقیق در آموزنده یا عاطفی بودن میزان کنش‌های گفتـاری در این سوره پرداخته و آموزنده بودن سوره را، بر بعد عاطفی آن برتری داده است.

تا کنون پژوهشی درباره قصه حضرت موسی(ع) بر اساس نظریه کارگفتـار انجـام نشـده اسـت. نتـایج بیشتر پژوهش‌های یاد شده، تنها به شمارش انواع کنش‌های گفتاری مطرح در موضـوع مـوردنظر معطـوف شده و در نهایت کمترین و بیشترین نوع کنش به کار رفته را مشخص کرده‌اند.

١- انواع کارگفتارها

سرل کنش‌های گفتاری را در ٥ طبقه منحصر می‌کند:

١-١- کارگفتار رهنمودی یا ترغیبـی:[1] شـامل آن دسـته از کنش‌هـای گفتـاری می‌شـود کـه گوینـده واژه‌هـایی همچـون: پیشـنهاد کـردن، تقاضـا کـردن، دسـتور دادن و... را بـه کـار می‌گیـرد. در ایـن گونـه کنش‌گفتاری، گوینده تلاش می‌کند با نصیحت، امر و یا درخواست، شنونده را به انجام کنشی و یا تـرک آن ترغیب نماید؛ اما این شنونده است که تعیین می‌کند امر را بپذیرد یا نه.(Searle, ١٩٧٩, ١٣. ١٩٩٨, ١٤٩)

١-٢- کارگفتار التزامی یا تعهدی[2]**:** در آن‌ها گوینده با قول دادن یا سوگند خوردن، متعهد می‌شود که در آینده کاری انجام دهد.(البرزی، ٦٧) کنش‌هایی همچون وعده و وعیـدها از ایـن دسـته اسـت، تهدیـد کردن نیز نمونه‌ای از این طبقه است اما التزامی است بر خلاف تمایل شنونده نه به سود او. کارگفتار التزامی

1 directive

2 Commissive

از جهان به واژه است و شرط ناظر به صداقت آن قصد است.(Searle, ۱۹۹۸, ۱٤۹. ۱۹۷۹, ۱۳)

۱-۳- کارگفتار بیان احساسات یا حالت روانی[1]: کنش‌هایی هستند که احساس گوینده را از جهان خارج نشان می‌دهد که شامل احساساتی از قبیل شادی، درد، علاقه، تنفر و... است. بیان احساسات نشانه تجربه گوینده است.(یول، ۷٤) مقصود مضمون در سخن این طبقه تنها بیان حالت روانی شرط ناظر به صداقت فعل گفتاری است. جهت تناسب محتوای گزاره‌ای این طبقه تهی است؛ زیرا در انجام این افعال گوینده تلاش نمی‌کند که جهان را با واژه یا واژه را با جهان متناسب کند، بلکه صدق محتوای گزاره از پیش مفروض قرار گرفته است.(Searle, ۱۹۷۹, ۱۳) برای نمونه زمانی که می‌گوییم: «به خاطر گرفتن جایزه به تو تبریک میگویم» گرفتن جایزه از طرف شنونده را مفروض قرار داده‌ایم. تطابق میان محتوای گزاره‌ای و واقعیت پیش فرض چنین سخنی است. شرط ناظر به صداقت در این طبقه متغیر است. «تبریک گفتن» صادقانه است اگر گوینده درباره آنچه که تبریک می‌گوید، واقعاً حس شادی و خوشحالی داشته باشد.(Searle, ۱۹۷۹, ۱۹. ۱۹۹۸, ۱۵۲)

۱-٤- کارگفتار تصدیقی یا توصیفی[2]: مقصود مضمون در سخن این کارگفتار به منظور توصیف وضعیت امور جهان به کار می‌رود و می‌توان آنها را با مفاهیم صادق و کاذب ارزشیابی کرد. برای مثال توصیف کردن، دسته بندی کردن و... تمام توصیفی‌ها دارای تناسب واژه به جهان هستند و شرط ناظر به صداقت آنها باور کردن است. در واقع هر توصیفی بیان کننده یک باور است. بدین معنا که آیا کنش گفتاری بیان شده صادق است یا کاذب و این امر به سبب این است که دارای تناسب واژه به جهان است. (Searle, 1998, 148. 1979, 12)

۱-۵- کارگفتار اعلامی[3]: تلاشی است از طرف گوینده تا شنونده را وادارد تا کاری را انجام دهد و به گونه‌ای رفتار کند که رفتارش مطابق با محتوای کارگفتار رهنمودی باشد. مثال‌هایی از این طبقه عبارتند از: تحریک کردن، فرمان دادن، درخواست کردن، التماس کردن و... . جهت تناسب این طبقه، از جهان به واژه است و شرط ناظر به صداقت آن میل و آرزو است. پرسش‌ها را نیز باید در این طبقه قرار داد زیرا تلاشی است از طرف گوینده تا شنونده را به پاسخگویی وادارد.(Searle, ۱۹۹۸, ۱٤۹. ۱۹۷۹. ۱۲- ۱۳)

۲- راهبردهای کلام در کارگفت‌های غیرمستقیم

1 Expeessive

2 Assertive

3 Directive

از دیدگاه سرل با به رسمیت شناختن قوانین حاکم بر کارگفت و مخاطبه، اثرات در گفته و یا اثرات با گفته که به‌طور غیر مستقیم به عنوان نتیجه فرعی است، از مجموع کارگفت‌ها شناخته می‌شود. این اثرات همگی در بافت پیرامونی و فضای کاربری زبانی ریشه دارد. مخاطبه‌ای که متکلم علاوه بر آنچه می‌گوید، چیز دیگری را نیز در کاربری زبانی خود می‌گنجاند و با ایماء و اشاره و در کل بافت و فضای پیرامونی حاکم بر مخاطبه منتقل می‌کند. نوع دیگری از آن‌که سرل تحت عنوان «کارگفت‌های غیر مستقیم» معرفی می‌کند، متکلم تلاش دارد تا با تکیه بر دانش مشترک خود با مخاطب بفهماند که در پی کار گفت خویش، درخواستی از مخاطب دارد که در جمله‌اش آشکار نیست. فهم کارگفت‌های غیر مستقیم نیازمند اطلاعات پس زمینه‌ای مشترک میان متکلم و مخاطب است، اطلاعاتی از جنس زبان و غیر زبان که مخاطب با تکیه بر عقلانیت حاکم بر ارتباط کلامی خود با متکلم، مخاطبه و مفاهیم نهفته درون آن را فهم و استنباط می‌کند. مهم‌ترین انگیزه برای کاربری غیر مستقیم کارگفت‌ها، استفاده از ساختار ادب گفتاری در مخاطبه است.

سرل علاوه بر نظریه کارگفت، از اصول همیاری مکالمه نیز بهره برده است. اصولی نانوشته در هر مخاطبه که باید متکلم و مخاطب بدان‌ها پایبند باشند تا مخاطبه در صورت واقعی خود کاربری شود:

اصل کیفیت[1]: تلاش برای هدایت مخاطبه در جهت درستی و راستی کلام؛

اصل کمیت[2]: تلاش برای اطلاع رسانی مفید و مورد نیاز؛

اصل ربط[3] و طرز بیان[4]: سخن باید مربوط و واضح و شفاف باشد تا از ایهام، ایجاز و اطناب پرهیز شود. تخطی از اصول همیاری و شکل‌گیری بیان غیر مستقیم در مخاطبه تأثیر دارد مثلا تخطی از اصل «کیفیت» باعث گزافه گویی است، تخطی از اصل «کمیت» زمینه‌ای برای تناقض گویی و طعنه زدن و یا استعاره و تشبیه است و تخطی از اصل طرز بیان تولید ابهام و نقصان در بیان مخاطبه است.(صانعی پور، ١٤٨-١٦٥)

شاخص‌های ارزیابی ادب گفتاری نزد جفری لیچ عبارتند از:

شاخص بیان غیر مستقیم: بالا بودن بیان غیر مستقیم نیروی در گفته مخاطبات، شاهد افزایش ادب گفتاری است و میزان فاصله متکلم با مخاطب را در میان کنش در گفته و نیل به هدف در گفته خود را

---

1 The Maxim of Quality

2 The Maxim of Quanity

3 The Maxim of Relevance

4 The Maxim of Manner

ترسیم می‌کند. شاخص هزینه _ فایده : این شاخص جهت برآورد میزان هزینه یـا فایـده اسـت کـه تحقـق کنش در کار گفت مخاطبه را بر عهده هر کدام از متکلم و مخاطب قرار می‌دهد. شاخص آزادی عمل: ایـن شاخص جهت برآورد و اندازه گیری میزان اختیار و آزادی عملی است که متکلم در کـار گفـت خـود بـرای مخاطب در نظر می‌گیرد.

لیچ، دو شاخص دیگر را از نظریه معروف براون و گیلمن به ودیعه می‌گیرد. براون و گیلمن، چگـونگی کاربری ضمایر را بر مبنای دو مفهوم قدرت و همبستگی یا به تعبیر لیچ، «فاصله اجتمـاعی» مـورد بررسـی قرار دادند. این دو مفهوم، در پی گردآوری اطلاعات مربـوط بـه میـزان تجربیـات مشـترک میـان دو طـرف مخاطبه، چگونگی مؤلفه‌های بافتی متعلّق به دو طرف مخاطبه همچون: دین، جنسیت، ملیّـت و تابعیـت، نژاد، حرفه، میزان صمیمیت و تعلّق خاطر دو طرف مخاطبه هستند. مفهوم قدرت و همبستگی نشـان‌دهنده جایگاه متکلّم و مخاطب در بافت پیرامونی مخاطبه است که ارتباط تنگاتنگی با ادب گفتاری مخاطبه پیـدا می‌کند. وجود حداقل دو نفر برای تحقق مفهوم قدرت ضروری است و رابطه قدرت میان این دو نفر نیز یک رابطه غیر دو سویه و نامتقارن است، به نحوی که هرگاه یک طرف رابطه قدرت سنگین‌تر باشد، طرف دیگـر رابطه سبک‌تر خواهد بود و این حالت می‌تواند به تعادل منجر شود و شـاخص قـدرت در آن منفـی گـردد. شاخص قدرت، جایگاه مهمی در بازشناسـی ادب گفتـاری مخاطبـه دارد؛ چـرا کـه هـر یـک از مـتکلم و مخاطب با تکیـه بـر ایـن شـاخص، چگـونگی رابطـه قدرت(فرادسـتی و فرودسـتی) را در مخاطبـه خـود می‌شناسند و سعی می‌کنند تا کلیه کنش‌های گفته خود را، مطابق با این رابطـه کـاربری کنند.(صـانعی‌پور، ۱٦٦-۱۷۱)

براون و لوینسون، مفهوم وجهه که همان تصویر بیرونی از خود و یا اعتبار و منزلت درونی فرد است را، به عنوان یک مبنـای همگـانی در ادب گفتـاری پیشـنهاد کرده‌انـد و مجموعـه راهبردهـای ادب گفتـاری را رده‌بندی کرده‌اند. این رده‌بندی بر مبنای میزان احتمال آسیب به وجهه مخاطب طراحی شده است.

۲-۱- راهبرد «صراحت کلام»: در این راهبرد، متکلّم کنش‌های گفته خود را به‌طور مستقیم کاربری می‌کند. چنین مخاطباتی بیشتر دارای ساختار آمرانه هسـتند و ایـن راهبـرد در بـافتی کـاربری می‌شـود کـه شاخص قدرت نمود بیشتری دارد و متکلّم، سلطه قابل توجهی بر مخاطب خود دارد. در غیر این صورت و در مواردی که متکلّم و مخاطب دارای تراز اجتماعی هستند و شاخص قـدرت رو بـه صـفر اسـت، کـاربرد چنین راهبردی باعث تهدید وجهه دیگری می‌شود.

۲-۲- راهبرد «ادب گفتاری ایجابی»: در این راهبرد متکلّم با تکیه بر زمینه‌های مشترک میان خود و مخاطب، کنش‌های در گفته را آن چنان بر می‌گزینند تا میزان صمیمیت را میان خود و مخاطب افزایش دهد

و در سایه آن علاوه بر حفظ وجهه خود و دیگری، به مقصود خود نیز نایل شود. در این راهبرد متکلّم توجه خاصی به خواسته‌های مخاطب دارد و تمایل بیشتری به وجهه ایجابی مخاطب نشان می‌دهد.

۲-۳- راهبرد «ادب گفتاری سلبی»: در این راهبرد، متکلّم علی رغم استفاده از ساختارهای پرسشی، در پی تحقّق کارگفت «پرسیدن» نیست؛ بلکه زمینه را برای اعمال آزادی مخاطب فراهم می‌کند که وی بتواند جواب منفی به کارگفت متکلّم بدهد؛ چرا که متکلّم خود می‌داند که ممکن است جواب مخاطب منفی باشد. بنابراین، کنش‌های درگفته چنین مخاطباتی برای تحقّق کارگفتی مستقیم نیست؛ بلکه غیر مستقیم به کارگفت‌های دیگری اشاره دارد.

۲-٤- راهبرد «عدم صراحت کلام»: در این راهبرد متکلّم با استفاده از انواع ایماء و اشاره، استعاره و تشبیه، مخاطبه خود را بر مدار بیان غیر مستقیم بنا می‌کند. در این حالت مخاطبه متکلّم، بر بیش از یک معنا حمل می‌شود و مخاطب برای بازیابی کارگفت مقصود متکلّم، باید بر اطلاعات بافتی تکیه کند. از این‌رو در این راهبرد، عملاً شاهد برداشت‌های مختلف از مخاطبه و مقصود متکلّم خواهیم بود. این راهبرد، در پایان بیان غیر مستقیم قرار دارد.

در یک بازنگری دربارهٔ این راهبردها در می‌یابیم که در سیر از شماره یک به چهار، به ترتیب بیان غیر مستقیم پرنگ‌تر می‌شود. به عبارت دیگر، متکلّم در کاربری راهبرد «صراحت کلام» در مخاطبه خود، از درصد بیان غیرمستقیمی کمتر و در نتیجه از کارگفت‌های مستقیم استفاده می‌کند و درصد بیان غیر مستقیم در راهبرد «عدم صراحت کلام» به نهایت خود می‌رسد و در نتیجه در مخاطبه، شاهد کارگفت‌های غیرمستقیم خواهیم بود.(یول، ۸۱-۹۰؛ صانعی‌پور، ۱۷٤- ۱۸۲)

آیهٔ ۱ تا ٦۸ سورهٔ شعراء به بیان داستان موسی(ع) اختصاص دارد و آیات ١٦ تا ٥١ نیز شامل مکالماتی بین موسی(ع)، فرعون، درباریان و ساحران است. انواع کارگفتارها و راهبردهای کلام در این دسته از آیات به کار رفته است.

۳- انواع کارگفت‌ها و راهبردهای کلام در محاکات موسی(ع)، فرعون، ساحران و درباریان با یکدیگر در سورهٔ شعراء

در این قسمت انواع کارگفت و راهبردها به همراه ویژگی‌های هرکدام در مخاطبه موسی، فرعون، درباریان و ساحران بر اساس آیات تبیین می‌شود. فرعون و موسی از شاخص قدرت برخوردار هستند یکی قدرت ظاهری و دیگری قدرت الهی؛ از این‌رو از کارگفت‌های مختلف و از راهبرد صراحت کلام در

مخاطبه خویش بهره می‌گیرند تا بتوانند بر دیگری پیروز گردند. یکی در صدد بیان حقیقت جهان و خـدای واحد است و سعی می‌کند تا با عبارات واضح و شفاف و در نهایت پیوستگی و نظم کلام به اهدافش برسـد و دیگری با تحقیر دیگران و با به رخ کشیدن قدرت خویش، قصد دارد طرف مقابل خویش را مغلوب سازد. درباریان که از شاخص قدرت و آزادی عمل برخوردار نیسـتند کارگفـت محـدودی را بـه‌کار میبرنـد؛ ولـی ساحران که جیره‌خوار فرعون اند ابتدا فقط از ادب گفتـاری ایجـابی اسـتفاده می‌کننـد، ولـی پـس از دیـدن معجزه موسی، با حقیقت جهان آشنا می‌شوند؛ از این‌رو ادب گفتاری خویش را به یک‌باره تغییر می‌دهنـد و به‌واسطۀ ایمان به خدا از شاخص قدرت و آزادی عمل در برابر تهدیدهای فرعون برخوردار می‌گردند.

۳-۱- کارگفت‌ها و راهبرد صراحت کلام در مکالمۀ موسی(هارون) با فرعون

موسی(ع) بعد از سپری کردن مقطعی طولانی، در کسوت پیامبری به نزد فرعون بازگشت و ضمن اعلام رسالت خویش«فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِين»(شعراء:١٦) خواستار آن شد که بنی‌اسرائیل را با آنان(موسـی و هارون) همراه کند: «أَنْ أَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ»(شعراء:١٧) گرچه در قرآن اشاره‌ای صریح مبنی بر سخن گفتن هارون با فرعون نشده است، ولی صیغه جمع(مَعَنا) از همراهی او با موسی در ایـن مکالمـه حکایـت دارد. بنابراین می‌توان گفت: در این محاکات، موسی(ع) و هارون با صراحت کلام و انـواع کـنش در گفتـه درخواست خود را مطرح می‌کنند و فرعون را وارد چالش می‌سازند؛ در حالی‌کـه از موسـی انتظـار مـی‌رود پس از بازگشت از یک غیبت طولانی، از ادبیات متواضعانه‌تری استفاده کند و ضمن یادآوری الطاف فرعون در حق او، از کردۀ خویش عذرخواهي کرده، سپس درخواست خود را مطـرح نمایـد(طباطبایی، ۱۵/ ۲٦۱؛ طبرسی، ۷/ ۲۹۳) در این مخاطبه، موسی و هارون در جایگاه متکلّم و فرعون، در جایگـاه مخاطـب قـرار دارد و این دو پیامبر، با وجود پشتوانۀ الهی و جایگاه عظیمی که دارند در برابر فرعون که جایگـاه حکـومتی وسیعی نسبت به آن‌ها دارد، به تبلیغ رسالت خویش می‌پردازند و خواستار همراهی بنی‌اسرائیل با خودشـان می‌شوند. با توجه به آیه، مشخص می‌گردد فرعون با یادآوری کردن این امر که موسی پرورش یافتۀ اوست و فرزندخوانده او به شمار می‌رود، درصدد انکار مقام رسالت است. پاسخ موسی در برابر سخنان فرعون، بـا صراحت کلام و با یک کنش در گفته است و به جای عذرخواهی از فرعون، به خاطر ناسپاسی که(بـه زعـم فرعون) در حق او کرده و یکی از قبطیان را کشته بود، به تبرئۀ خود می‌پردازد و می‌گوید: «قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَ أَنَا مِنَ الضَّالِّين»(شعراء: ۲۰)؛ این جملات موسی(ع) در حالی ادا می‌شود که فرعون ظاهراً از قـدرت بـالایی نسبت به همۀ مردم و موسی برخوردار است؛ ولی چون موسی با خداوند متعال پیونـد دارد، جایگـاه بـالای واقعي از آن موسي است و فرعون فقط از نظر قدرت دنیوي دارای جایگاه است. به همین دلیل، موسـی نیـز از راهبرد صراحت کلام و از کنش گفتاری توصیفی بهره می‌جوید. سپس موسی دوباره از راهبـرد صـراحت

کلام و از کنش اعلامی استفاده می‌کند و می‌گوید: آری مـن بـه دلیـل این‌کـه ترسـیدم شـما مـرا بگیریـد و عقوبت کنید، فرار کردم: «فَفَرَرْتُ مِنكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبيّ حُكْمًا وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِين»(شـعراء: ٢١). موسی اصل کیفیت و کمیت را در این راهبرد رعایت می‌کند و نشان می‌دهد که سال‌های گذشته بـرای او، سال‌های سرگردانی و اتلاف وقت در دوران جوانی نبوده بلکـه در راسـتای تربیـت از نـوع انسـان کامـل قرارگرفته است، چیزی که فرعون و درباریان از آن هیچ اطلاعی ندارند.(طباطبایی، ١٥/ ٢٦٣؛ طبرسـی، ٧/ ٢٩٣) موسی، در ادامه با صراحت کلام و به‌طور مستقیم یکی دیگر از اعتراضات سـه‌گانه فرعـون را پاسـخ می‌گوید و آن کفران نعمتی است که به زعم فرعون از او سر زده است.«... وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ»(شعراء: ١٩) فرعون، موسی را زیر دست خود می‌داند که بـه اربـاب خـود ناسپاسـی کـرده اسـت. موسـی چنـین پاسـخ می‌دهد: «وَ تِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنهَّا عَلىأَنْ عَبَّـدتَّ بَنِـي إِسْـرَائِيلَ»(شـعراء: ٢٢)؛ جملـه مـورد بحـث، جملـه‌ای استفهامی است که معنای انکار را می‌رساند و جملهٔ "أَنْ عَبَّدْتَ بَنِيإِسْرائِيلَ" بیـان مطلبـی اسـت کـه کلمـهٔ "تلك" به آن اشاره می‌کند و حاصلش این است که منّتی که بر من نهادی و نعمتی که فکر می‌کنی مـن آن را کفران کردم صحیح نیست، زیرا ولیّ نعمت بودن تو مستند به ظلم بـود و تـو بـا ظلـم و زور، خـود را ولـی نعمت ما کردی و ولایتی هم که با ظلم و زور درست شده باشد ظلم اسـت.(طباطبایی، ١٥/ ٢٦٥؛ طیـب، ١٠/ ١٨) بنابراین، موسی در یک کنش توصیفی، واقعیت عملکرد فرعون نسبت به درباریان و بنی اسراییل را بیان میدارد تا کارگفت بیان احساساتی که برای درباریان حاصل می‌گردد(تنفر از بردگی)، شـاید آنهـا را بـه ایمان به خدا برساند. موسی پس از آن‌که به دفاع از خود در برابر فرعون اقدام نمود، در سه موضع بـه کـنش گفت توصیفی و تصدیقی پروردگار خـود پرداخـت: «قَـالَ رَبُّ السَّـمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَـا بَيْنَهُمَـا إِن كُنـتُم مُّوقِنِين»(شعراء: ٢٤)؛ این توصیف، با جهان واقع تناسب دارد. بنابر نظریه سرل، هر توصـیفی بیـان کننـدهٔ یک باور است(Searle, 1998, 148. 1979, 12). زیرا معرفی خدا در عالم خلقت برگرفته از باور قلبی موسی است که جهان را آن‌گونه که واقعاً هست دارای مدبّر و مربّی بـرای فرعـون بیـان می‌کنـد.(طباطبایی، ١٥/ ٢٦٨) موسی همچنین از کنش بیان احساسات در برابر پروردگار خویش همراه شرط ناظر بر صـداقت خویش مدد می‌جوید و در هنگام تمسخر خویش از جانب فرعون با عبارت: «قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِـلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ»(شعراء: ٢٧)؛ هیچ اهمیتی بدان نداده و در عوض بیشتر به معرفی خدا میپردازد: «قَـالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»(شعراء: ٢٨). ازین رو شرط تناسب در ادعای نبوت و حالت روانی خویش را حفظ کرده و آشفته نمی‌شود و صراحت کلام خود را کاملاً حفظ می‌نماید. موسی همچنین در کارگفت توصیف خداوند، اصل کیفیت و کمیت را رعایت می‌نمایـد و مخاطبـه را در جهـت درسـتی و

راستی هدایت می‌نماید. فرعون پس از آن‌که در گفتار نتوانست موسی را تسلیم کند، به زور و تهدید متوسل می‌شود و از کارگفت اعلامی استفاده می‌کند: «قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ»(شعراء: ۲۹). به دنبال این کنش انجام کار خارق العاده ضرورت پیدا می‌کند(معجزهٔ عصا و ید بیضاء): «فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ *وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ»(شعراء: ۳۲-۳۳). موسی درحالی‌که در ظاهر، موقعیت ضعیف‌تری دارد ولی در واقع شاخص قدرت او همبستگی زیادی با خداوند متعال دارد و تناسب کنش‌هایی که به کار می‌برد سبب موفقیت او می‌شود در نتیجه بیان غیرمستقیم او در انجام معجزه‌اش، شکست فرعون و یاری رساندن ساحران را به دنبال دارد. معجزه همراه با اصل کیفیت و کمیت است تا با این عمل، مخاطبه موسی در جهت درستی و هدایت فرعون و درباریان به پایان برسد و حجت بر آنان تمام شود.

۳-۲- کارگفت‌ها و راهبرد صراحت کلام در مکالمهٔ فرعون با موسی

موسی(ع) در بدو ورود به قصر، ادعای رسالت می‌کند و خواستار همراهی بنی‌اسرائیل با خود می‌شود. فرعون با کنش اعلامی به دوران طفولیت موسی و بزرگ شدن او در قصر اشاره می‌کند و در صدد ظهور اثرات با گفته در کلام موسی است: «قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ»(شعراء: ۱۸). جمله پرسشی فوق حاکی از موقعیت بالایی است که فرعون برای خود در نظر گرفته است و گمان می‌کند از لحاظ شاخصه قدرت و فاصله اجتماعی بر موسی برتری دارد؛ به همین دلیل از راهبرد صراحت کلام بهره می‌گیرد و در ادامه در یک کارگفت توصیفی او را کافر به معنای ناسپاس تلقی می‌کند. فرعون از موسی انتظار کنش بیان احساسات دارد که در آن احساس شرمندگی و عذرخواهی کند و او را مجبور کند جوابی محدود و معین بدهد که اقتضای این پاسخ، ناشی از استفهام تقریری است.(درویش، ۷/ ٦۲) فرعون، در مقام امتنان به بیان این استفهام می‌پردازد چون موسی کنش مناسبی در برابر فرعون انجام نداده است، لذا او را به مُفسد و مجرم بودن متهم می‌کند و جریان کشتن «قبطی» را یادآور می‌شود: «وَ فَعَلْتَ فَعْلَتَكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَ أَنتَ مِنَ الْكَافِرِين».(شعراء: ۱۹) کشتن فرد قبطي به منزلهٔ ناسپاسی موسی در برابر فرعون است. در این‌جا نیز فرعون در مقام حق‌خواهی برای خودش قرار دارد و نسبت دادن کفر به موسی به جهت دلسوزی برای مقتول یا حق‌خواهی برای او نیست. در این جایگاه و با توجه به سیاق و وقایع پیشین که توسط موسی رخ داده بود و ادعایی که اکنون مطرح کرده، فرعون در صدد تکذیب موسی و استهزاء و تحقیر شخصیت اوست. فرعون ادعای رسالت موسی را نمی‌پذیرد؛ زیرا در بافت ذهنی خود و چهارچوب دانایی‌هایی که از موسی دارد او را یک بنی‌اسرائیلی و عبدی از بندگان خود می‌داند که نافرمانی کرده و نیز او را نمک نشناس و فاسدی می‌پندارد که قتل مرتکب شده است.(طباطبایی، ۱۵/ ۲٦۱؛ طبرسی، ۷/ ۲۹۳؛

طیب، ۱۰/ ۱۵) موسی در جواب فرعون، کارگفت توصیفی دیگری بیان می‌دارد که نشـان از واقعیـت دارد و فساد و نمک نشناسی را نفی می‌کند؛ او در برابر واژهٔ «کافر» خود را «ضال» می‌خواند؛ مادهٔ خـام ضـلالت در کتب لغت، به معنای ضاع الشیء(آن چیز از بین رفت) و ضَلّ به معنای جاز عن الطریق(فلان کس از راه اصلی باز ماند و منحرف شد) است.(ابن فارس، ۳۵٦– ۳۵۷) واژهٔ ضلال در زبان عربی بـه کسـی نسـبت داده می‌شود که از راه مسـتقیم انحـراف یابـد؛ هـر چنـد ایـن انحـراف عمـدی یـا سـهوی، کـم و یـا زیـاد باشد.(راغب، ۵۱۰) در لغت قبل از اسلام نیز به معنای عدول از طریق مستقیم بوده اسـت. موسـی نیـز در مقام تبرئهٔ خویش از واژهٔ کفر، ضلالت را به خود نسبت می‌دهد. منظور موسی آن اسـت کـه مـن از طریـق مستقیم، یعنی آشتی یا مصالحه میان این دو نفر عدول کردم و عمل من ناخواسته بـه کشـتن فـرد انجامیـد. طریق مستقیم همان مسیر برقراری صلح و سازش بین قبطـی و اسـرائیلی بـود کـه موسـی، ناخواسـته از آن عدول کرد و مصداق واژهٔ «ضالّین» شد. کاربرد واژهٔ «ضالّین» در معنای عدول از طریق مسـتقیم، نشـانگر آن است که این واژه در معنای اصلی خود به کار رفته است، در این صورت، رابطهٔ لفظ و معنا مطابقه است. مقتضای کلام نیز این معنا را تائید می‌کند. بنابر نظریهٔ سرل توضیح واقعیت قتل قبطی توسط موسی، از نوع کارگفت توصیفی و با جهان واقع متناسب است؛ زیرا موسی حادثهٔ قتل قبطی را همان‌گونه که اتفـاق افتـاده بود برای فرعون روشن کرد نه این‌که آن را بر خلاف حقیقت و مطابق میل شخصی خویش یا آن‌گونه کـه در باور فرعونیان بود توضیح دهد؛ «شرط ناظر به صداقت» آن نیز، باور حقیقی موسی جهت توجیه قتل قبطی است و به همین سبب کنش گفتاری موسی(ع) صادقانه محسوب می‌شود.

در آیهٔ ۲۹ پس از آن‌که موسی، با بی محلی و مسخره کردن توسط فرعـون از معرفـی پروردگـار دسـت بردار نیست، فرعون به تهدید و زور متوسل می‌شـود(طباطبایی، ۱۵/ ۲۷۲) و از کـنش اعلامـی و تهدیـدی استفاده می‌کند: «قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ»؛ تناسـب ایـن تهدیـد مناسـب بـا واقعیت جهان نیست، بلکه مطابق کردن جهان با میل فرعـون اسـت و فرعـون در تهدیـدش صـداقت دارد. راهبرد فرعون در این مخاطبه، از اصل کیفیت برخوردار نیست و صرفاً بر اساس ادعای کـاذب «انـا ربکـم الأعلی» است. با معجزهٔ موسی، راهبرد صراحت کلام فرعون همراه با قدرتی که ادعا می‌کرد خنثی می‌شود و در کنش بیان احساسات از قوت به سوی ضعف پیش می‌رود تا آن‌که از درباریان کمک می‌خواهـد، زیـرا معجزهٔ موسی با آنچه در جهان خارج ادعا می‌کرد، تناسب داشت و از شرط ناظر به صداقت برخوردار بود. تکبر شاهانه، فرعون را وادار می‌کند کـه موسـی را سـاحری توانمنـد بخوانـد و پیـامبری‌اش را بـه رسـمیت نشناسد، زیرا برای فرعون اصل کیفیت در مخاطبه اهمیت ندارد، بلکه هدف او غلبه بر موسی به هر طریقی

است؛ از این‌رو در چاره‌جویی به درباریان اکتفا می‌نماید.

۳-۳- انواع کارگفت‌ها و راهبردهای کلام فرعون با درباریان و بالعکس

فرعون در برابر کنش توصیفی موسی جهت معرفی خداوند، خطاب را متوجه درباریان مینماید و از راهبرد صراحت کلام خویش با درباریان استفاده می‌کند و به استهزای موسی می‌پردازد و با انجام کنش ترغیبی درباریان را از پذیرش سخنان او نهی می‌کند: «قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ»(شعراء: ۲۵) (طباطبایی، ۱۵/ ۲۷۰) همچنین در یک کنش دیگر موسی را مجنون می‌خواند، او در صدد است اثرات در گفته مخاطبات خویش را در عملکرد درباریان ببیند، ولی پس از دیدن معجزهٔ موسی با انجام کنش بیان احساسات، به درباریان متوسل می‌شود و از راهبرد صراحت کلام خویش به راهبرد ادب گفتاری ایجابی تغییر راهبرد می‌دهد تا اثرات با گفتهٔ خویش را در آنها بازیابد. درباریان که همواره دنبال جاه و مقام هستند، به کارگفت توصیفی و معجزه موسی توجهی نمی‌کنند و به هنگام درخواست چاره‌جویی فرعون و افزایش صمیمیت او با خودشان، خواستار مهلت دادن به موسی و برادرش هارون می‌شوند: «قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ»(شعراء: ۳٦) و در ادامه می‌گویند: عده‌ای از نظامیان و نگهبانان مخصوص خود را به شهرستان‌ها بفرست تا هرچه ساحر حاذق هست جمع نموده برایت بیاورند، تا به وسیلهٔ آنان با موسی معارضه کنی: «يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ»(شعراء: ۳۷) گرچه جمله در ظاهر امری است، ولی درباریان به‌طور غیرمستقیم نظر(دستور مشورتی) خود را اعلام می‌دارند.(طباطبایی، ۱۵/ ۲۷٤) در اینجا شاخص بیان غیر مستقیم در ادب گفتاری درباریان قابل مشاهده است؛ زیرا درباریان به دلیل علاقه‌ای که به جاه و مقام دنیوی دارند، به کارگفت توصیفی موسی در ارتباط با معرفی پروردگار و معجزهٔ او که با حقیقت قدرت او تناسب دارد، توجهی نمی‌نمایند و فرعون را در کفرش یاری می‌کنند.

۳-٤- کارگفت و راهبردهای کلام در گفت‌وگوی متقابل فرعون با ساحران

از آن‌جا که فرعون در مسابقه و نبرد با موسی، به ساحران نیاز دارد از راهبرد صراحت کلام استفاده نمی‌کند. فضای حضور ساحران در دربار، فضایی آرام و صمیمی است تا آن‌جا که ساحران از فرعون دربارهٔ پاداش خود سؤال می‌کنند و فرعون نیز که از تمایل آن‌ها به جاه و مقام اطلاع دارد، وعده می‌دهد که از جایگاه و منزلتی والا در آینده برخوردار می‌شوند تا آنان را تشویق نماید که برای نبردی بزرگ تلاش کنند. به همین دلیل، در این موضع از کارگفت التزامی و تعهدی و راهبرد ادب گفتاری ایجابی استفاده می‌کند و وعدهٔ پاداشی بزرگ می‌دهد. در این آیه شاخص هزینه-فایده قابل مشاهده است: «قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ»(شعراء: ٤۲) عمل و فعل ساحران پس از انجام معجزه موسی، بر خلاف انتظار فرعون است، گذشته از این‌که او به پیروزی امیدوار بود، هرگز تصور نمی‌کرد که در صورت شکست ساحران، آنان قدرت

استفاده از شاخص آزادی عمل را داشته باشند و در حضور مردم به خدای موسی ایمان آورند و کنش بیان احساسات خویش را در سجده به خدای موسی نشان دهند؛ از این‌رو، به کنش تهدیدی و اعلامی روی می آورد: «قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ»(شعراء: ٤٩). فرعون با استفاده از راهبرد صراحت کلام به توبیخ ساحران می‌پردازد که چرا بدون اجازهٔ من به موسی ایمان آوردید؛ زیرا او هزینه زیادی را متحمل شده بود ولی در نهایت خودش شکست خورد و با ایمان ساحران این شکست مضاعف گردید.(طباطبایی، ۱۵/ ۲۷۵) ساحران به کنش‌های مختلف فرعون اهمیتی نمی‌دهند و در برابر کنش اعلامی و تهدیدی فرعون، با استفاده از راهبرد صراحت کلام، با رعایت اصل کمیت و کیفیت و ضمن انجام کارگفت اعلامی چنین پاسخ می‌دهند: «قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ». ساحران آزادی عمل خویش را به فرعون نشان می‌دهند که دیگر بردهٔ او نیستند و مخاطبه موسی و خدای او را بر فرعون ترجیح می‌دهند زیرا با جهان واقع تناسب دارد و صداقت موسی خود شاهد بر این ادعاست. در «آمَنَّا بِرَبِّ الْعالَمِينَ»، مقصود از ایمان، ایمان توحید است و در آیهٔ «رَبِّ مُوسى وَ هارُونَ» علاوه بر اقرار به توحید، اعتراف به رسالت موسی و هارون است(طباطبایی، ۱۵/ ۲۷۵)؛ «عدم اکتفاء به گفتن «رب العالمین» به این دلیل است که فرعون می‌گفت من رب العالمین هستم، چنانچه به موسی گفت: «لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهاً غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ» و به قومش گفت: «وَقالَ فِرْعَوْنُ يا أَيُّهَا الْمَلَأُ ماعَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلهٍ غَيْرِي»(قصص: ۳۸) و گفت: «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلى»(نازعات: ٢٤) لذا گفتند مراد ما از رب العالمین آن پروردگاری است که موسی و هارون به سوی او دعوت می‌کنند و از جانب او آمده‌اند.(طیب، ۱۰/ ۳۱) ساحران در یک کنش دیگر به بیان احساسات خویش می‌پردازند: «إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ» آنان با این سخن، دلیل نترسیدن‌شان از مجازات فرعون را بیان می‌کنند؛ به این ترتیب که چون ما اولین کسانی بودیم که به فرستادگان خدا ایمان آوردیم، امیدواریم خدا از خطاهای ما بگذرد و این تعلیل، تعلیلی صحیح است؛ برای این‌که فتح باب در هر امر خیری، اثری از خیرات دارد که هیچ عقل سالمی در آن شک نمی‌کند، پس اگر خدای سبحان بنا داشته باشد مؤمنی را به علت این‌که به رحمت و مغفرت او ایمان دارد بیامرزد، قطعاً رحمت و مغفرت او اولین کسی را که فتح باب ایمان کرده و راه را برای دیگران هموار ساخته وانمی‌گذارد.(طباطبایی، ۱۵/ ۲۷٦؛ طیب، ۱۰/ ۳۳) این عملکرد ساحران دارای یک اثر باگفته در میان مردم است؛ چون ایمان آوردن آن‌ها، دیگر مردم را نیز تشویق و ترغیب به ایمان می‌کند. ساحران کنش عاطفی خویش را در برابر خدای موسی با درخواست مغفرت از او نسبت به گناهانشان همراه می‌کنند و از

شاخص آزادی عمل استفاده نموده و در یک ادب گفتاری به اصـلاح گفتـار و رفتـار خـویش می‌پردازنـد و سرمشق و الگوی مردم قرار می‌گیرند. اثر کارگفتی چنین مخاطبه‌ای این است که با تکیه بر ایمان بـه خـدا، شکنجه و به دار آویختن فرعون برای ساحران اهمیتی ندارد؛ بلکه استغفار از پروردگـار، بهتـرین جـایگزین عذرخواهی از پادشاه است.

نتیجه‌گیری

بافت فرا زبانی و زبانی از قراین تبیین آیات است؛ نظریه کارگفت در دانش کاربرد شناسـی بـا عنـاوینی چون اغراض ثانویه جمله، معنای مجازی جمله و اغراض ادبی و زیبا شناختی در علم معانی مطابقت دارد. وقتی کاربر زبان در گفتهٔ خود کنش‌هایی نظیر: هشدار دادن، آگاهی دادن و پیمان بستن را به‌کار می‌بـرد، از شنونده انتظار دارد که این کنشها را دریابد و نتیجهٔ آن را در کنش‌هایی مناسب نظیر: متقاعد گشتن، تـرس و هراس داشتن، ایمان آوردن و... در مخاطب خود ببیند. سرل اثرات این کارگفت را بـه دو دسـتهٔ «اثـرات در گفته» و «اثرات با گفته» تقسیم کرده است. «اثرات با گفته» به‌طور غیـر مسـتقیم بـه عنـوان نتیجـهٔ جـانبی برآمده از مجموع کارگفت‌هاست. کارگفت‌های غیر مستقیم، به اطلاعات پس زمینه‌ای مشترک میان متکلم و مخاطب نیاز دارد که هم از جنس زبان و هم از جنس غیر زبان است. در تحلیل کارگفت، استفاده متکلم از بیان غیر مستقیم با مفهوم ادب گفتاری، دارای جایگاه مهمی است؛ این مفهوم در تراث اسلامی با سـیاق حالی و مقتضای کلام(علم معانی) برابر است. خروج از معنای اصلی بر ورود مخاطبه به معنای ضمنی در علم معانی مشابه با مقولهٔ «بیان غیر مستقیم» و «کارگفت‌های غیر مستقیم» در نظریهٔ کارگفت است.

بافت موقعیتی داستان حضور موسی در دربار فرعون برای تبلیغ رسالت، مجموعـه‌ای از کارگفت‌هـای مستقیم و غیر مستقیم است. انواع کنش‌ها نظیر: کـنش اعلامـی، توصـیفی، عـاطفی در مخاطبـهٔ موسـی و فرعون مشاهده می‌شود که هر وقت یکی از آنها در مقام متکلم قرار می‌گیرد، نیروی درگفتهٔ مشخصـی را در کلام خود می‌گنجاند و قصـد دارد اثـر باگفتـهٔ مشخصـی در مخاطـب خـود بـه وجـود آورد. بـرای نمونـه موسی(ع) در آیهٔ «قَالَ فَعَلْتُهَا إِذًا وَ أَنَا مِنَ الضَّالِّين»(شعراء: ۲۰)، ضـمن اسـتفاده از کارگفـت توصـیفی بـه همراه صراحت کلام به ارائهٔ کنش «در گفته»، به‌طور مستقیم خود را از اتهام کفر تبرئه می‌کند و شایسـتگی پیامبری را از جانب پروردگار برای خویش اعلام می‌دارد. فرعون که این «اثرات با گفته» را از موسی انتظـار ندارد سعی می‌کند در کنشی دیگر او را مسخره کند، ولی موسی با کنش‌هـای «در گفتـه» دیگـر بـه معرفـی خدای خویش می‌پردازد و با انجام معجزه تمام تلاش فرعون و کنش‌های او را نـابود می‌سـازد. در مکالمـهٔ فرعون و ساحران نیز کنش ترغیبی، اعلامی، تهدیدی، عاطفی و توصیفی وجود دارد. ابتدا فرعون با استفاده

از راهبرد ادب گفتاری ایجابی، دستمزد و پست حکومتی به ساحران را وعده می‌دهد و آنان را به انجام سحر و جادو ترغیب می‌کند؛ ولی «اثرات باگفته‌ای» که انتظار دارد را نمی‌بیند و ساحران برخلاف انتظار فرعون «اثرات باگفته» خویش را در برابر موسی و خدای او نشان می‌دهند. آنان بعد از معجزهٔ موسی با استفاده از شاخص آزادی عمل، به خدای او ایمان آورده و کنش عاطفی خویش را در برابر خداوند یگانه ابراز می‌دارند و مغفرت طلب می‌کنند؛ در هنگام کنش تهدیدی فرعون مبنی بر قطع دست و پا، از راهبرد صراحت کلام استفاده نموده و تهدید فرعون را نادیده می‌گیرند و عملاً هیچ اثر باگفته‌ای مطابق خواست فرعون در برابر کنش‌های وی نشان نمی‌دهند.

منابع

آقاگل‌زاده، فردوس، فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، نشر علمی، تهران، ۱۳۹۲ش.

ابن‌عاشور، محمدطاهر، التحریر و التنویر، مؤسسة التاریخ العربي، لبنان-بیروت، ۱٤۲۰ق.

ابن فارس، حسین، معجم مقاییس اللغه، تحقیق عبدالسلام هارون، مکتبه الخانجی، مصر، ۱۹۸۱م.

البرزی، پرویز، مبانی زبان شناسی متن، نشر امیرکبیر، تهران، ۱۳۸٦ش.

پیشوایی علوی، محسن و فردین حسین پناهی، «تحلیل گزاره‌های پرسشی در سوره مؤمنون بر اساس نظریهٔ کنش کلامی»، پژوهش‌های ادبی- قرآنی، ٤، ٦٥-۹٤، ۱۳۹۳ش.

تجویدی، غلامرضا، کنش‌های گفتاری در فرآیند یادگیری انگلیسی گویشوران فارسی زبان، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۹ش.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن، دارالفکر، بیروت، ۱۳۹۲ق.

زارع، آمنه و سحر زرگری، «تحلیل متن شناسی سورهٔ بقره بر اساس نظریه کنش گفتار»، اولین کنفرانس ملی آموزش زبان انگلیسی، ادبیات و مترجمی، مؤسسه بین‌المللی آموزشی و پژوهشی خوارزمی، شیراز، ۱۳۹۲ش.

سرل، جان آر، افعال گفتاری، ترجمه محمدعلی عبداللهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۸۵ش.

صانعی پور، محمدحسن، مبانی تحلیل کارگفتاری در قرآن کریم، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ۱۳۹۰ش.

طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعهٔ مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱٤۱۷ق.

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ش.

طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلام، تهران، ۱۳۷۸ش.

عباسی، مهدی، بررسی کنش‌های گفتاری در ترجمه جزء سی قرآن کریم بر اساس نظرات آستین و سرل، گیتی تاکی،

ادبیات و علوم انسانی، سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۲ش.

عبداللهی، محمدعلی، نظریهٔ افعال گفتاری، پژوهش‌های فلسفی کلامی، ش۲٤، ۱۳۸٤ش.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷٤ش.

محمدی، حمید، آشنایی با علوم بلاغی معانی، بیان، بدیع، چاپ پنجم، مؤسسه فرهنگی دار الذکر، قم، ۱۳۸۳ش.

نوری زاده، گلنار، بررسی کنش‌های گفتار در ترجمه متون سوره‌های یاسین و الرحمن از قرآن کریم بر اساس نظریهٔ کنش گفتار سرل و آستین، معصومه ارجمندی، ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی رشت، ۱۳۹٤ش.

ویسی، الخاص و غلامحسین اورکی، «کارکردهای معنایی و توان منظوری جملات استفهامی قرآن کریم با توجه به نظریهٔ کنش گفتاری»، ذهن، ش٦۲، صص۵-۳۰، ۱۳۹٤ش.

یول، جرج، کاربردشناسی زبان، ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، سمت، تهران، ۱۳۹۱ش.

Alston, William, *Illocutionary Acts and Sentence meaning*, New York.Cornell, University Press, 1996.

Briggs. R.S.(2001). *Words in Action*: *Speech Act Theory and Biblical Interpretation*. Edinburgh: T.g T. Clark.

Saeed,J.L.(1997). *Semantic* s.Massachusetts: Blachwell pubisher.

Searle.J.R(1979). *Expression and Meaning* New York: Cambridge University Press.

Searle. J.R(1998) *Mind Language and Society* New York: Basic Books.

Searle.J.R(1971) *wath is speech Acts in Rosenberg and Travis*(eds). -Shelley , Cameron, *Speech Acts and Pragmatics in Sentence generation*,water L.O University,1992. -Sohat zidis,Savas L.T, *Foundations of Speech Act Theory*, New York, Rout ledge,1994.

Vander veken, Daniel,*Essay in speech Act Theory*, Amsterdam, John Benjamin s publishing Company,1984.-

Kriffa,Manfred,Embedded *Speech Act*, Berlin,Humboldt University,2002.